

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۳۰ سپتمبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

"عدالت" ظالمان

طالبان در سال ۲۰۰۰ میلادی، یکسال قبل از سقوط امارتشان، فرمانی را صادر کردند که در آن به دعاوی املاک و زمین‌های زراعتی به تفصیل پرداخته شده بود. طبق این فرمان تمام زمین‌هایی که در گذشته، زمان داوودخان و خلقی‌ها از خان‌ها گرفته شده و به دهقانان توزیع شده بود باید به مالکین "مشروع" آن برگردانده می‌شد. طبق آن فرمان، اگر مالک قبل از اصلاحات ارضی تقاضا می‌کرد، مبلغی برای جبران حاصلات سال‌های گذشته نیز باید پرداخت می‌شد، و اگر آن زمین به شخص سوم فروخته شده بود، طبق فرمان طالبان شخصی که بعد از اصلاحات ارضی زمین خود را فروخته بود باید پول زمین را به مالک قبل از اصلاحات ارضی بازپس می‌داد.

در روزهای گذشته، گروهی از دهقانان ولایت دایکندی از زمین‌هایی که گفته می‌شود بخش‌هایی از آن‌ها قبلاً در قبایل خان‌های محل بوده و از سوی قومندان‌های جهادی به دهقانان بی‌زمین توزیع شده بود، کوچانده شده‌اند تا زمین‌ها به مالکان "مشروع" برگردانده شود.

بر اساس جدولی که از سوی ساکنان دایکندی نشر شده است (عکس ضمیمه) دستور تخلیه برای ۳۰۲۰ خانواده در ۱۵ قریه صادر شده است. سه هزار خانواده جمعیت بزرگی است. اگر اینان در کشور مرفه زندگی می‌کردند نیروی کار چند فابریکه بزرگ یا مزارع پرباری را فراهم می‌ساختند که سالانه ده‌ها میلیون دالر عاید می‌داشت. اما اینان در کوهستان دور افتاده روی زمینی نامرغوب و کم‌حاصلی که تنها ۱۵۹۶ هکتار مساحت دارد، هر خانواده با اوسط نیم (۰.۵۳) هکتار زمین زندگی می‌کرده‌اند (کمتر از مساحت یک میدان فوتبال معیاری که حدود ۰.۸ هکتار است).

این خانواده‌ها را با هر معیاری که بسنجیم مستحق حمایت می‌باشند نه کوچ اجباری. اینان دهقانان کم زمین هم حساب نمی‌شوند بلکه در کتگوری بی‌زمین‌ها قرار می‌گیرند. زیرا در افغانستان حداقل زمین درجه اول برای امرار معاش خانواده کوچک ده جریب است. هرکسی که کمتر از ده جریب داشته باشد، کم‌زمین شمرده می‌شود و آنانی که کمتر از پنج جریب دارند در جمع بی‌زمین‌ها می‌باشند.

برای درک وضعیت زمین‌داری در افغانستان و این‌که در شرایط کشور ما داشتن دو و نیم جریب زمین چه معنا دارد، می‌بینیم که دولت‌ها داشتن چه مقدار زمین را در کشور ما کافی می‌دانسته‌اند. به‌تاریخ ۰۶ اگست ۱۹۷۵ حکومت داوود خان قانون اصلاحات ارضی را در جریده رسمی نشر کرد که طبق آن یک شخص می‌توانست تا سقف ۲۰ هکتار زمین آبی دو فصله یا ۲۰ هکتار زمین باغی (صد جریب) و یا هم ۴۰ هکتار زمین للمی داشته باشد. زمین‌های دایکندی یک‌فصله می‌باشند و بخش‌هایی از آن‌ها درخت‌شانی (باغ) شده‌اند.

خلقی‌ها به تاریخ ۱۲ جولای ۱۹۷۸ فرمان شماره ۶ را صادر کردند که در آن به اصلاحات ارضی نیز پرداخته بودند. [فرمان شماره ۸ آن رژیم در ماه قوس ۱۳۵۷ گویا مختص اصلاحات ارضی بود- پورتال] به پیروی از آن فرمان حدود ۵۱۰،۶۰۰ هکتار زمین به ۲۱۳،۰۰۰ خانواده توزیع شده بود که برای هر خانواده حدود ۱۲ جریب زمین می‌رسید. این زمین‌ها مرغوب بودند. لذا حکومت خلقی‌ها حداقل زمین لازم برای امرار معاش یک خانواده ۱۰ تا ۱۲ جریب زمین مرغوب تشخیص داده بودند. آنان زمین را با توجه به ظرفیت تولیدی به هفت دسته تقسیم کرده بودند که احتمالاً زمین‌های دایکندی در جمع زمین‌های نچندان مرغوب در پایان لیست قرار می‌گرفت. آنان سقف مالکیت زمین مرغوب باغی و تاکستان را ۳۰ جریب (۶ هکتار) تعیین کرده بودند.

امارتی‌ها که که داوودخان را گمراه می‌خوانند، خلقی‌ها را کافر می‌دانند و خود را نماینده خدا و تأمین‌کننده عدالت جار می‌زنند، خلاف آن "نامسلمانان" به‌جان مظلوم‌ترین اقشار و گروه‌های اجتماعی با تفنگ و دره چسبیده‌اند و در خدمت خان‌ها و غاصبان قرار گرفته‌اند. طالبان از جمله این ۳۰۲۰ خانواده را که هرکدام به دو و نیم جریب زمین چسبیده‌اند و با جان‌کشی خود و فرزندان‌شان را زنده نگه می‌دارند، گدائی نمی‌کنند و از کسی انتظار کمک نیز ندارند، به‌نام عدالت از خانه و کاشانه‌شان می‌کوچانند. فرض کنیم همه آن زمین‌ها سابق در قواله چند خان بوده است و قومندانی به زور از آن خان‌ها گرفته به این دهقانان بی‌زمین توزیع کرده‌اند، آیا کوچاندن این مردم عادلانه است؟

اگر دولت مسوول می‌داشتیم، محکمه‌ای دایر می‌کرد و دعوای طرف‌ها را بررسی می‌کرد. هرگاه ثابت می‌شد که این زمین‌ها از خان‌ها بوده است، مالکان کنونی زمین‌ها را به خاطر زحمت‌کشی‌شان شادباشی می‌داد و به آنان وعده می‌سپرد که در موقع مناسب زمین‌های بیشتری در اختیارشان قرار خواهد داد، قومندان‌هایی را که زمین‌ها را خودسرانه ضبط و توزیع کرده بودند و در آن جریان به خان‌ها اجحاف روا داشته بودند مجازات می‌کرد و اگر صاحبان سابق زمین اکنون زمین کافی نمی‌داشتند در جای دیگری در همان ولایت یا خارج از دایکندی از زمین‌های دولتی می‌داد تا روی آن کار کنند.

اما چنین نیست. طالبان با عدالت بیگانه می‌باشند و دستورهای کور صادر می‌کنند. شرع طالبان ابزار دست محافظه‌کاران و کهنه‌هاست. فیودال‌ها، غاصبان و زورمندان با گذاشتن ریش، تلاوت آیات و ژست‌های طالبانی در پوست این گروه جاهل درآمده به ثروت‌اندوزی، زمین‌خواری، غصب، غارت و تجارت غیرمنصفانه می‌پردازند. اگر حاکمیت این گروه ادامه یابد، فساد مشروعیت خواهد یافت، غارت قانونی خواهد شد، و سرکوب اقشار محروم (دهقانان، زنان، کارگران) و آنانی که خواهان پیشرفت کشور می‌باشند از مسجد، مکتب، مدرسه و محکمه تبلیغ و توجیه خواهد گردید. از آنجایی که اکثریت ما افغان‌ها گرسنه، کم‌زمین و فقیریم باید از طالبان حمایت نکنیم و برای نجات مردم و کشور خود متحد شویم.

شماره	نام قریه	تعداد خانواده	زمین به جریب	اوسط زمین/خانواده
1	قریه کندیر	400	900	
2	قریه میدان ملک	100	200	
3	قریه شاغولجه	150	400	
4	قریه خرکک	160	420	
5	قریه بالا جوی	300	700	
6	قریه راه رمه	90	270	
7	قریه چپه جوی (امین آباد)	650	1700	
8	قریه دهن ناله	380	900	
9	قریه میان قاشو	100	500	
10	قریه سینه خزک	150	700	
11	قریه کنشی	70	250	
12	قریه سیالاش	90	200	
13	قریه تگابدار	300	400	
14	قریه ورگ	50	300	
15	قریه کته انار	30	150	
مجموع		3020	7990	2.65
حداقل زمین لازم		36240		
زمین موجود (جریب)		7990		
کمبود زمین (جریب)		28250		

خلورمه ماده :

بی ځمکې بزگران او هغه څوک چه دلمړی در جی لس جریبه او یایی دمعاذل او یا له هغی نه دلز ځمکې مالک وی ، که چیری د ۱۳۵۳ کال نه دمخه دیو یا څو تنو نه د سود اوسلم او گروی په اساس پوروی وی دپورونو اوسود له ورکړی معاف گنل کیږی.

ماده چهارم :

دهقانان بی زمین و کسا نیکه مالک ده جریب زمین درجه اول ویا معادل آن و یا کمتر از آن هستند، هر گاه قبل از تاریخ ۱۳۵۳ از یک یا چند شخص براساس سود وسلم وگروی مقروض باشند از تادیقه قروض و سود معاف شناخته میشوند.

(۳)